

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید

جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای
اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی
گسترده ترو مستحکم تر باد همبستگی اکثریت اهالی
جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل
و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت
حکومت اسلامی در ایران

- اعتصاب صدها زندانی واحد 2 زندان قزلحصار کرج در اعتراض به انتقال 6 همبندی به سلول
انفرادی و افزایش اجرای احکام اعدام و تشدید وخامت حال تعدادی از آنها و بی خیالی مسئولان
چهاردهمین روز را پشت سر گذاشت

- کودکان در آزمایشگاه عقل فاشیستی

- ادامه یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق
منجمده عدم اعمال مصوبه مزدی شورای عالی کار، عدم پرداخت بدهی دولت و بیمه درمانی نامناسب
باتجمع در شهرهای اهواز، رشت و کرمانشاه مقابل اداره کل کار استان های خوزستان ، گیلان
و کرمانشاه ،

شوش مقابل اداره کار شهرستان،

دزفول مقابل کانون بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی،

اراک تجمع یک نفره مقابل اداره کل کار استان مرکزی

و تهران مقابل سازمان تأمین اجتماعی

- ادامه اعتراضات کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان نسبت به سطح نازل حقوق منجمله اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی وادغام صندوق بازنشستگی فولاد باکشوری با تجمع مقابل ساختمان استانداری

- تجمع اعتراضی کارگران بیکار شده رستوران و آشپزخانه پتروشیمی جم نسبت به پلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل ساختمان اداره کار عسلویه

- تجمع اعتراضی جمعی از متقاضیان پروژه مسکن ملی محمدی شهر جدید امیرکبیر اراک نسبت به پلاتکلیفی مقابل شرکت عمران شهر امیرکبیر

- فوران خشم پرستاران !

- استثمار کارگران جنوب در بحبوحه جنگ استعماری

- بیانیه انجمن صنفی معلمان فارس به دنبال بازداشت و حبس دو بازنشسته فرهنگی آقایان علی احمدی و جان محمد احمدی

- کانون نویسندگان ایران:یاد حسن صانعی

*اعتصاب صدها زندانی واحد 2 زندان قزلحصار کرج دراعتراض به انتقال 6 همبندی به سلول انفرادی و افزایش اجرای احکام اعدام وتشدید وخامت حال تعدادی از آنها وبی خیالی مسئولان چهاردهمین روزرا پشت سر گذاشت

روزیکشنبه 4 مرداد، اعتصاب صدها زندانی واحد 2 زندان قزلحصار کرج دراعتراض به انتقال 6 همبندی به سلول انفرادی و افزایش اجرای احکام اعدام وتشدید وخامت حال تعدادی از آنها وبی خیالی مسئولان چهاردهمین روزرا پشت سر گذاشت.



*کودکان در آزمایشگاه عقل فاشیستی

کودکان محصول عشق‌اند، پرتوافشان عشق و مهر به زندگی انسانی‌اند؛ بنیان منسجم انسانیت در هستی‌اند، باید گیرنده‌ی زیبایی، دوستی، لطافت احساسی و عقل دیگری خواه باشند.

جنگ‌اندیشی و آموزش آن، با مبنا قرار دادن یک «دیگری» که باید روابط خونینی با او برقرار کرد و توسط خشونت نظامی و ترویج تعصبات ایدئولوژیک، کودکی را تصاحب کند، و در وی کین‌توزی را جایگزین عشق سازد، ذاتی عقل فاشیستی است؛ این عقل همیشه جنایت آفریده است.

کودکان نه قربانی هستند نه دژخیم، حقنه کردن حس قربانی و دژخیم بودن در ساحت عقل و احساس آنان، جنایت علیه بشریت است.

کودکان ماده‌ی سخت سنگرهای نظامی در جنگ و نوعی از ادوات جنگی نیستند که با عفونت‌های فکری انسان‌کشی و خودویرانگری، بر روی هم تلنبار شوند تا حقانیت را برای حاکمان جنگ‌خوی ایجاد کنند.

کودکان نباید به نام هیچ امر مقدس قدرت آفرینی، سرسپاری و فرمانبری و حکومت‌پذیری و سلب زندگی از دیگری و فن جنایت و کشتن عواطف انسانی در خود و دیگری را بیاموزند.

کودکان دارایی قدرت نیستند، تا در خدمت امیال جنگ طلبانه خرج شوند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن آموزش‌نظامی به کودکان در مدرسه و خیابانی ...، بر این باور است که کودکان شور حیات‌اند، تضمین اکنون و آینده‌ی جهان‌اند. حق دانستن زندگی بدون خشونت، حق تحصیل عشق برای انسانیت، حق کسب آزادی برای خود و دیگری، حق خوشبختی، حق طرد انقیاد و طاعت، حق تعیین زیست جهان خود بدون جنگ، حق برخورداری از عمر طبیعی، سلامت روانی، بازی در میدان زیبایی‌ها، حق آفرینش خویش، صاحب‌اختیار جهان خویشتن بدون مداخله جنگ‌اندیشان در جهان، حق بیزاری از دنیای جنگ‌افروزان بزرگ و کوچک و حق داشتن جهانی بدون خون و جنگ و شکنجه دارند.

هیچ اندیشه و تفکری نباید این حقوق انسانی را با بهانه‌های صلح و امنیت و سود، از کودکان در سراسر جهان سلب کند.

***ادامه یکشنبه های اعتراضی کارگران بازنشسته تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق منجمده عدم اعمال مصوبه مزدی شورای عالی کار، عدم پرداخت بدهی دولت و بیمه درمانی نامناسب باتجمع در شهرهای اهواز،رشت وکرمانشاه مقابل اداره کل کار استان های خوزستان ، گیلان وکرمانشاه ،**

شوش مقابل اداره کار شهرستان،

دزفول مقابل کانون بازنشستگان ومستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی،

اراک تجمع یک نفره مقابل اداره کل کار استان مرکزی

و تهران مقابل سازمان تأمین اجتماعی

شعارها:

- «از اصفهان تا تهران علیه حکم اعدام»
- «علیه حکم اعدام ایستاده ایم تا پایان»
- «کارگر زندانی آزاد باید گردد»
- «معلم زندانی آزاد باید گردد»
- «معترض زندانی آزاد باید گردد»
- «رضا امانی فر آزاد باید گردد»
- «مسعود فرهیخته آزاد باید گردد»
- «امیر وقاری حمایت می‌کنیم»
- «آزادی عدالت حق مسلم ماست»
- «فقط کف خیابون به دست میاد حقمون»
- «بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن»
- «تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم»
- «اتحاد اعتراض علیه فقر و فساد»
- «اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد»
- «بازنشسته بپاخیز برای رفع تبعیض»
- «کشوری لشکری تامین اجتماعی اتحاد اتحاد»
- «همبستگی اتحاد پایان ظلم و بیداد»
- «جان برود تن برود آزادی از بین نرود»
- «ظلم و ستم فراوان مارا کشاند خیابان»
- «خیابان خیابان سنگرز حمتکشان»
- «تجمع اعتراض حق مسلم ماست»
- «و وعده زیادش نیدیم عدالتی ندیدیم»

« جنگ افروزی کافیه سفره ما خالیه»
« رجز خونی کافیه سفره ما خالیه»
« تورم گرانی نه به جنگ و ویرانی»
« غنی سازی زندگی رفاه شادی آزادی»
« نابودباد بندگی زنده باد زندگی»
« با داروهای آزاد درمان شده مکافات»
« مشکل ما این زمان معیشت است و درمان»
« نان گران داروگران درحسرت یک لقمه نان»
« درمان رایگان پولی شده ای یاران»
« حسین حسین شعارشون دروغ و دزدی کارشون»
« ظلم و ستم کافیه سفره ما خالیه»
« بیکاری تورم بلای جان مردم»
« گرانی تورم بلای جان مردم»
« تورم اسفبار حاکم شده توبازار»
« هزینه ها دلاری حقوق ما ریالی»
« حقوق نصف نیمه سکوت کنی همینه»
« سفره بی نان ما چی می خواید از جان ما»
« دولت فرمایشی حقوق فرسایشی»
« فرآیند همسان سازی اجرا باید گردد»
« وعده وعید چه خوب بود ولی همش دروغ بود»
« وعده زیاد شنیدیم حق خود را ندیدیم»
« زیربارستم نمی کنیم زندگی جان فدا می کنیم درره آزادگی ننگ براین زندگی ننگ براین زندگی»
« بیمه تحمیلی نمی خوایم نمی خوایم»
« تامین و غارت کردند مارو بیچاره کردند»

«کشور پر درآمد چی برسر تو آمد»

«مدیر بی لیاقت استعفا استعفا»

«با حقوق کم ما میدری زندگی کن»

«اسدی حیا کن کانون رو رها کن»

تصاویر:

اراک:



تهران:



دزفول:



شوش:



***ادامه اعتراضات کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان نسبت به سطح نازل حقوق منجمله اجرا نشدن همسان سازی، عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی وادغام صندوق بازنشستگی فولاد با کشوری با تجمع مقابل ساختمان استانداری**

یکشنبه 4 مرداد



***تجمع اعتراضی کارگران بیکار شده رستوران و آشپزخانه پتروشیمی جم نسبت به بلاتکلیفی شغلی ومعیشتی مقابل ساختمان اداره کار عسلویه**

روزشنبه 3 مرداد، کارگران بیکار شده رستوران و آشپزخانه پتروشیمی جم برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع مقابل ساختمان اداره کار عسلویه، زدند و خواستار بازگشت بکار شدند.

یکی از این کارگران در خصوص دلایل تجمع خود و سایر همکارانش به خبرنگار رسانه ای گفت: حدود 200 کارگر پیمانکاری بخش رستوران و آشپزخانه پتروشیمی جم با سوابق بالای کاری هستیم که از 16 فروردین ماه سال جاری، همزمان با خروج پیمانکار از پتروشیمی، به یکباره بیکار شدیم.

او گفت: وضعیت پیش آمده در حالی ادامه دارد که با اتمام قرارداد پیمانکار، شرکت مائده طبخ، انتظار داشتیم بعد از 15 سال سابقه کار، مسئولان پتروشیمی مجدداً ما کارگران بیکار شده را در آشپزخانه، رستوران‌ها و یا سایر شرکت‌های زیرمجموعه پتروشیمی مشغول به کار کنند. که در نهایت حدود 100 نفر از همکاران که غالباً بومی منطقه به حساب می‌آیند، به همراه تعدادی نیروی کار جدید در بخش آشپزخانه و رستوران با مدیریت کارفرمای اصلی شروع به کار کرده اند، اما کارفرما حاضر نیست مابقی کارگران قدیمی را به کار سابق‌شان برگرداند.

این کارگر بیکار شده آشپزخانه پتروشیمی جم، به نیابت از همکاران خود تصریح کرد: از سال‌ها قبل تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری به عنوان کارگر واحد آشپزخانه و رستوران مشغول به کار بوده و در مجموع روزانه برای حدود 2 هزار کارگر سه وعده غذا آماده می‌کردیم، اما از زمان خاتمه قرارداد پیمانکار، وضعیت شغلی مشخصی نداریم و به دلیل افزایش سن هنوز نتوانسته‌ایم شغل جدیدی پیدا کنیم.

به نقل از یکی دیگر از کارگران گفته می‌شود در حال حاضر مسئولان شرکت با این بهانه که کارگران پیمانکاری هیچ رابطه کاری با پتروشیمی جم ندارند و بومی منطقه نیستند، موضوع بازگشت به کار را پیگیری نمی‌کنند. این در حالی است که اکثر کارگران این مجموعه، از استان و شهرهای همجوار منطقه عسلویه آمده‌اند که فاصله چندانی با محل کار ندارد، اما از لحاظ جغرافیایی غیربومی به حساب می‌آیند.

این کارگران گفتند: در طول این مدت بارها به دفاتر مسئولان منطقه ویژه عسلویه مراجعه کرده‌ایم و در آخرین مراجعه که دیروز مقابل اداره کار صورت گرفت، مسئولان با دادن فرم‌های شکایت به هر یک از کارگران، وعده پیگیری دادند.

این کارگر اخراجی آشپزخانه پتروشیمی جم در ادامه گفت: این شرایط باعث نگرانی و برهم خوردن آرامش ما شده است. ما بعد از سال‌ها کار در بدترین شرایط شغلی و معیشتی، هر کدام در انتظار بهبود وضعیت شغلی خود بودیم، اما به یکباره همه چیز برهم خورد. به همین دلیل از مسئولان شهرستانی و استانی درخواست داریم برای بازگشت به کار ما اقدام کنند.

او همچنین گفت: خواسته کارگران اخراجی بخش آشپزخانه و رستوران پتروشیمی جم با سوابق کاری مختلف، بازگشت به کار یا جابه جایی در واحدهای زیرمجموعه است.

***تجمع اعتراضی جمعی از متقاضیان پروژه مسکن ملی محمدی شهر جدید امیرکبیر اراک نسبت به
بلا تکلیفی مقابل شرکت عمران شهر امیرکبیر**

روزیکشنبه 4 مرداد، جمعی از متقاضیان پروژه مسکن ملی محمدی شهر جدید امیرکبیر اراک برای
اعتراض به بلا تکلیفی مقابل شرکت عمران شهر امیرکبیر تجمع کردند.



***فوران خشم پرستاران !**

ما پرستاران و کادر درمان بعد گذشت سالها مطالبه گری و حق خواهی همچنان در قعر حقوقهای
دریافتی هستیم.

با وجود مسئولیت شغلی بالا به لحاظ اجتماعی در بدترین شرایط حقوقی قرار داریم.

وعده ها و طرح های مقامات پوچ شدند و فقط منجر به تکه پاره شدن دستمزدها برای فرار از پرداخت آن شده است .

حق تعرفه و فوق العاده خاص و کارانه هیچکدام نتوانسته وضعیت شغلی معیشتی ما را بهبودی بخشد . معوقات پرداختی ما به ده ماه می رسد که با وجود ابر تورم موجود باید به هفت برابر قیمت پرداخت شود.

جواب اعتراض و اعتصاب را با تهدید و ارعاب و بدهنی مقامات پاسخ گرفته ایم .

ماfiای بهداشت و درمان که از قبل کار مفت و ارزان ما سودهای نجومی به جیب میزنند در تدارک ایجاد فرصت های تولید نیروی ارزانتر آموزش پرستاری یکساله برای مقابله با اعتراضات ماهستند.

نابودی شغل پرستاری به معنی پایان دادن به ساختار بهداشت و درمان برای همه مردم است.

ما تحمل نخواهیم کرد!

خشم پرستاران در فوران است و تنها راه برای مقابله با گستاخی ها و بیحرمتی های مقامات به مطالبات و عدالت خواهی ما اعتراضات گسترده و پیگیر و هماهنگ است.

"شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران" از گسترش اعتراضات به صورت سراسری بیرون از فضای بیمارستانها حمایت میکند.

برای شیر فهم کردن مقامات که تبعیض را حق ما می دانند و برای روشن شدن ارزش و جایگاه شغلیمان باید دست از کار کشید ما پرستاریم نه برده و تن به بیگاری نخواهیم داد.

اعتراض و اجماع دسته جمعی و اعتصاب، راههای پیش رو ماست!

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران

۴ مرداد ۱۴۰۵

***استثمار کارگران جنوب در بحبوحه جنگ استثمار**

در پی حملات اخیر آمریکا به زیرساختها و راههای مواصلاتی جنوب کشور، کارگران بخشهای حیاتی از چابهار تا ماهشهر و اهواز بار اصلی بازسازی و خدماترسانی را بر دوش کشیدهاند؛ وضعیتی که به گفته علیرضا نوایی، فعال کارگری، نهتنها ریشه در شرایط جنگی کنونی دارد، بلکه جلوه ای از «بردهداری نوین» و استثمار لجامگسیخته ای است که حکومت اسلامی طی دهه های گذشته بر کارگران شاغل و بازنشسته تحمیل کرده و اکنون با بهره گیری از بحران جنگ، تحریم و گرما، بر شدت آن افزوده است.

در پی حملات اخیر آمریکا به زیرساختها و راههای مواصلاتی جنوب کشور، کارگران بخشهای حیاتی از چابهار تا ماهشهر و اهواز بار اصلی بازسازی و خدماترسانی را بر دوش کشیدهاند. کارگران پسماند شهرداری چابهار بدون دریافت حق خطر و با قراردادهای ناپایدار آوارها را جمع

می‌کنند، در حالی که حتی اضافه‌کار و مزایای قانونی‌شان پرداخت نشده و بیمه آن‌ها با تأخیر مواجه است. در منطقه ماهشهر برخی پتروشیمی‌ها با وجود مصوبات ضد اخراج، از شرایط جنگی برای تعدیل نیرو استفاده کرده‌اند و در اهواز کارگران راه‌آهن در دمای بالای ۵۵ درجه با کسرهای سنگین از دستمزد حداقلی و تهدید اخراج روبه‌رو هستند. مدیران و لایه‌های بالادستی در همین مدت مأموریت‌های پرهزینه و مزایای خود را حفظ کرده‌اند.

آنچه این وضعیت را به‌ویژه نگران‌کننده می‌کند، سوءاستفاده آشکار از شرایط جنگی است. جنگ و ویرانی ناشی از آن نه تنها توجیهی برای نادیده گرفتن حقوق اولیه کارگران شده، بلکه به ابزاری برای تشدید استثمار و قانون‌گریزی کارفرمایان تبدیل گردیده است. در حالی که نیروهای خدماتی و فنی در خط مقدم قرار گرفته‌اند و جان خود را به خطر می‌اندازند، بحران نظامی بهانه‌ای شده تا تعهدات قانونی مانند پرداخت حق خطر، بیمه به‌موقع و امنیت شغلی کنار گذاشته شود و فشار معیشتی بر همان طبقه‌ای متمرکز باشد که بیشترین هزینه جنگ را می‌پردازد. با آقای علیرضا نوایی، فعال کارگری گفت‌وگو کرده‌ایم.

سیاست‌های ضدکارگری دائمی حکومت

علیرضا نوایی در ابتدای گفت‌وگو با زمانه یادآوری کرد که بازی کردن با جان کارگران، تحمیل بی‌حقوقی مطلق، کاهش قدرت خرید کارگران شاغل و بازنشسته، عدم پرداخت به‌موقع حقوق و حق بیمه، نابودی امنیت شغلی از طریق قراردادهای موقت و شرکت‌های پیمانکاری چندلایه و همچنین سرکوب کارگران کنشگر و ممانعت از شکل‌گیری تشکلهای مستقل کارگری، پدیده‌ای مختص دوره کنونی یا دوره‌ای خاص از عمر حکومت اسلامی نیست. او با تأیید استفاده درست از واژه «بحران» توضیح داد:

حکومت از جنگ، تحریم و موقعیت‌های مختلف مثلاً بحران اقتصادی و ویژگی‌های اقتصادی استفاده می‌کند و این سیاست‌های ضدکارگری خودش را در تمام طول حیاتش در چهل‌واندی ساله گذشته به کار گرفته است.

نوایی افزود که سرکوب تشکلهای مستقل از جمله شوراهای، مباحث مربوط به تدوین قانون کار در دهه شصت، ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و طرح‌هایی مانند استاد-شاگردی، تصاحب سازمان تأمین اجتماعی، دست‌اندازی به صندوق‌های بازنشستگی و افزایش سن بازنشستگی، همگی سال‌هاست که جریان داشته. او درباره نامگذاری وضعیت تحمیل‌شده به کارگران شاغل و بازنشسته گفت:

اما من مایل‌نامی که اختیار می‌کنم برای این چیزی که طی این سال‌ها بر کارگران شاغل و بازنشسته تحمیل شده، برده‌داری نوین یا استثمار لجام‌گسیخته و بی‌حد و حصر باشد.

ضرورت تداوم اعتراض و پایهریزی تشکلهای مستقل

علیرضا نوایی در ادامه گفت‌وگو با زمانه تأکید کرد که وظیفه کارگران، کنشگران کارگری و اجتماعی، نهادهای سیاسی چپ و کنشگران سیاسی اجتماعی حقیقی این است که اعتراضات کارگران شاغل و بازنشسته را ادامه دهند؛ چه در قالب اعتراض و اعتصاب و چه در قالب تجمعات خیابانی در مقابل مراکز قدرت. او توضیح داد:

دلیلش این است که اگر این اعتراضات صورت نگیرد، حکومت اسلامی باز هم پیشروی خواهد کرد و حق و حقوق کارگران شاغل و بازنشسته را بیش از این پایمال خواهد کرد. چون واقعاً هیچ حد و حدودی در استثمار حکومت اسلامی نمی‌شناسد و تنها راهی که می‌شناسد این است که سیاست‌های ضدکارگری و ارتجاعی خودش را با خالی‌تر کردن هرچه بیشتر جیب کارگران شاغل و بازنشسته و همچنین تحمیل بی‌حقوقی مطلق بیش از پیش به آن‌ها پیش ببرد. و اگر کارگران در مقابلشان به شکل اعتراض مقاومت نکنند، آن هرچه بیشتر پیشروی خواهد کرد.

نوایی افزود که وظیفه دوم، تلاش نیروهای فعال برای پایه‌ریزی تشکل‌های مستقل کارگری در قالب اتحادیه و سندیکا است:

چرا؟ چون الان حکومت اسلامی مانع از ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری می‌شود و دستان سندیکا، اتحادیه و فعالین آن‌ها را مورد آزار قرار می‌دهد؛ چه از نظر اخراج از کار و چه از دستگیری و زندان. پس بنابراین این راه دیگر را پیش بگیرند، آن هم این است که در کارخانه کمیته‌های کارگری سازمان بدهند، در محل کار کمیته‌های کارگران بازنشسته را ایجاد کنند و همچنین در محلات کمیته‌های مشترک یا مثلاً شرکت‌های تعاونی و هسته‌های مطالعاتی، ورزشی، پشتیبانی و غیره را ایجاد کنند که زمینه‌ساز ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری در آینده شود؛ وقتی که شرایط سیاسی آماده شد و فضایی به وجود آمد که از الان به آن کمک کرده باشند.

جنگ، گرما و دفاع از کرامت انسانی کارگران

علیرضا نوایی با اشاره به شرایط کنونی جهان، دو ویژگی مهم را برجسته کرد: جنگ‌های منطقه‌ای و تغییرات اقلیمی. او توضیح داد که جنگ فعلی نه تنها جان کارگران ایرانی و کارگران مهاجر در کشورهای خلیج فارس را گرفته، بلکه در سراسر جهان به افزایش بیکاری، کاهش امنیت شغلی، پایین آمدن دستمزدها، بالا رفتن تورم و افت قدرت خرید کارگران منجر شده است. نوایی افزود:

مسئله دوم تغییرات اقلیمی و افزایش درجه حرارت و گرماست. این هم یکی از مشکلاتی است که کارگران در جهان با آن دست به گریبان هستند. در ایران هم باید به یک عامل مهم توجه کنیم: از دیدگاه حکومت اسلامی، رعایت اصول ایمنی باعث هزینه می‌شود. به عبارت دیگر، سود کارفرمایان و کمتر هزینه کردن کارفرمایان در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد و حفظ جان کارگران در درجه بعدی است.

او همچنین خاطرنشان کرد که وزارت کار و بهداشت تاکنون دستورالعمل‌های منسجمی برای شرایط جنگی و گرمای شدید صادر نکرده‌اند و بخشنامه‌های محدود موجود نیز عمدتاً شامل کارکنان دولت و کارمندان بخش خصوصی می‌شود و کارگران را پوشش نمی‌دهد. در جمع‌بندی، نوایی تأکید کرد که ایستادن در کنار کارگران صرفاً وظیفه نیروهای چپ و کارگری نیست، بلکه دفاع از حقوق آنان دفاع از حق انسان و حقوق بشر است و این مسئولیت بر عهده تمامی نهادهای سیاسی، اجتماعی و همه انسان‌های آزاده و مترقی قرار دارد.

https://www.radiozamaneh.com/895672/?tg_rhash=0ceb6994783a68

*این مصاحبه را حسین نوش‌آذر انجام داده و متن را نیز او نوشته است.

***بیانیه انجمن صنفی معلمان فارس به دنبال بازداشت و حبس دو بازنشسته فرهنگی آقایان علی احمدی و جان محمد احمدی**

آقای #علی_احمدی معلم بازنشسته با ۷۶ سال سن اهل #ممسنی فارس در تاریخ ۱۵ اسفندماه دستگیر و تا کنون که ۱۴۵ روز می گذرد در قرنطینه بازداشتگاه زندان #عادل_آباد_شیراز بلاتکلیف به سر می برد .

او که به علت کهولت سن و عمل پروستات چند روز قبل از دستگیری، روزها را به سختی طی می کند در زندان مشکل بیماری چشم ایشان نیز تشدید شده و از درمان محروم است .

#جانمحمد_احمدی کنشگر فرهنگی دیگر نیز با داشتن ۷۰ سال سن بعد از ۲۵ روز که از دستگیری ایشان می گذرد در زندان نورآباد ممسنی همچنان بلاتکلیف است .

طبق کدام قانون کشوری و آیین نامه آموزشی بازنشستگان به جای تقدیر و بزرگداشت در شرایط دشوار زندان پس از روزها و ماه ها شکنجه جسمی و روحی قرار دارند.

لازم به ذکر است که بارها از زندان عادل آباد خبر شکنجه روحی آقای علی احمدی به طرق مختلف گزارش شده است. ما خواهان رعایت حقوق زندانی طبق قانون اساسی کشور می باشیم و بار دیگر می گوئیم مطالبه گری حق قانونی هر شهروند است مخصوصا اگر معلم باشد که رسالت آگاه سازی جامعه نیز بر عهده اوست .

انجمن صنفی معلمان فارس با توجه به وضعیت جسمانی این دو همکار پیشکسوت ،خواهان رسیدگی هر چه سریع تر به پرونده آنان و آزادی بی قید و شرط آنها می باشد .

مسئولیت هر گونه خطر برای این کنشگران فرهنگی به عهده نهادهای امنیتی و قضایی می باشد.

***کانون نویسندگان ایران:یاد حسن صانعی**

حسن صانعی نویسنده، شاعر و عضو متعهد کانون نویسندگان ایران در تاریخ چهارم مرداد به دنیا سوگند گفت. او از ابتدای جوانی رویای رهایی انسانی از سیطره ستم را در سر می پروراند و در مسیر مبارزات سیاسی قدم برمی داشت. مرگ دخترش میترا در حمله سانسور در تهران با نارنجکی یکی از تلخ ترین لحظات زندگی اش بود. صانعی سه مجموعه شعر به چاپ رسانده و همواره برای دفاع از آزادی بی دریغ نبرد. یادش همیشه زنده است.

چهارم مرداد اولین سالگرد درگذشت حسن صانعی؛ نویسنده، شاعر و از اعضای وفادار و متعهد کانون نویسندگان ایران است. صانعی در ارومیه و در ۲۷ آبان سال ۱۳۲۲ چشم به جهان گشود. او تحصیلات خود را در مقاطع دبستان و دبیرستان در شهر تبریز به پایان برد و پس از آن عازم تهران شد. صانعی در تهران موفق به اخذ کارشناسی راه و ساختمان شد. او از همان سال های جوانی، رویای رهایی انسان از سیطره ستم و استثمار را در سر می پروراند، از همین رو در مسیر تحقق آزادی و دادگری اجتماعی در قلمرو مبارزات اجتماعی و سیاسی قدم نهاد.

نام ماندگار حسن صانعی با یکی از تلخ‌ترین وقایع سیاسی تاریخ معاصر گره خورده است. اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال ۱۳۶۰، مأموران حکومت سرکوبگر به گردهمایی پرشور روز جهانی کارگر در میدان آزادی تهران حمله‌ور شدند. مزدوران سانسور، کورکورانه نارنجکی را به میان جمعیت پرتاب کردند و «میترا» دختر خردسال حسن صانعی را در خون غرق کردند و بدین‌گونه برگی دیگر بر کارنامه‌ی تبهکاری خود افزودند. در این واقعه همسر این مبارز آزادی‌خواه نیز به شدت آسیب دید که تا امروز عوارض آن با اوست.

این هجوم یکی از رخ‌نمایی‌های سانسوری نوظهور و ضدانسانی بود. گونه‌ای از سانسور جزم‌اندیش و معتقد به تک‌صدایی که حاضر به شنیدن هیچ صدای دیگری نبود و در راه تثبیت استیلای فراگیر خود بر تمامی ساحت‌های اجتماعی و سیاسی، پیام‌آور مرگ و نابودی دگراندیشان و روشنفکران بود.

حسن صانعی یار متعهد و دیرین کانون نویسندگان ایران، هرگز در راه ستیز با ساختار سانسور و کوشش برای تحقق آرمان آزادی انسان، دمی عقب ننشست. چنان‌که خود در جایی می‌نویسد «برای اعتراض به حضور و وجود سانسور» و «دفاع از حیثیت و مقام کلمه» به عضویت کانون درآمد. او وفادارانه به کانون عشق می‌ورزید و به طور مستمر در نشست‌های مشورتی، مجامع عمومی و گردهمایی‌های کانون شرکت می‌جست و امکانات خود را در کمال سخاوت و بی‌دریغ، در اختیار کانون نویسندگان ایران و اعضای آن قرار می‌داد.

سه مجموعه‌شعر با نام‌های «شکوفه می‌نوشد باد»، «این رودخانه مال من است» و «جمع‌آوری آب در آبکش» از حسن صانعی منتشر شده است.

«پاییز بود یا بهار یادم نیست

درخت آواز داد:

برگ‌های مرا بشمار حسن»

یاد گرامی‌اش همواره زنده

akhbarkargari2468@gmail.com